خبر

بسیج در کشور حقیقت لیله القدر است

حجه الاسلام شیخ حسین رضایی هماهنگ کننده سازمان عقیدتی سیاسی ارتش در استان گلستان و مازندران در جمع فرماندهان ارشد منطقه با گرامیداشت هفته بسیج بیان داشت:بسیج ضامن پیروزی ، سرافرازی کشور و بوجود آورنده حیات طیبه در جامعه بوده و بسیج در کشور حقیقت لیله القدر است که باید این فرهنگ پروش یابد. هماهنگ کننده سازمان عقیدتی سیاسی ارتش در استان تصریح کرد:ضرورت تحول و مدیریت تحول،آینده نگری و برنامه ریزی علمی و کارآمد و داشتن یک چشم انداز قوی مستلزم داشتن تفکر بسیجی است که باید در جامعه نهادینه شود و مدیران در سطوح مختلف این رایحه مبارک و عظیم را در کشور و حوزه مدیریتی خود ترویج و تبیین کنند. شیخ حسین رضایی با بیان اینکه بسیج یک نرم افزار قوی و پشتیبان قوی در جامعه است افزود:بسیج یک صبغه الهی،صبغه قرآنی،و صبغه خدمت و تلاش و کوشش و جهاد در عرصه های مختلف در کشور است که الحمدالله با حکمت و فرزانگی رهبر عزیز قدوم پر خیر وبرکت بسیج در ارتقا وضعیت دانش ، اقتصاد، توسعه فناوری، کشف و اختراع جدید، نهضت نرم افزاری و شکستن مرزهای دانش منشا پیشرفت و حرکت عظیم توسعه بوده و هست. ایشان در ادامه خاطر نشان کرد بـرای رهایی از وضعیت کنونی همه ی ملت ایران بسیجی هستند، در بسیج پست، مقام، قشر، قومیت، درجه، و..... معنی ندارد، امروز باید همه احرام بسیجی ببندند برای خدمت به جمهوری اسلامی ایران و میهن بزرگمان، بسیج یک نیرو نیست یک تکیه گاه قوی مستحکم و بی نظیری است که حیات طیبه جامعه به همت بسیج پویا و زنده است. هماهنگ کننده سازمان عقیدتی سیاسی ارتش در گلستان و مازندران بسیج را یادگار حضرت امام(ره)دانست و ادامه داد: جامعه نیازمند بسیج های مختلف است، بسیج اخلاقی، بسیج فرهنگی، بسیج گرایش به سبک زندگی اسلامی، بسیج تفکر انقلابی، بسیج توسعه علم و صدها شاخه ی دیگر از ضروریات بارقه حیات طیبه برای همگان است که باید در جامعه ترویج و تبیین شود.

بیمارستان تخصصی صحرایی در منطقه مرزی گنبد آغاز به کار کرد

ششمین بیمارستان تخصصی صحرایی سازمان بسیج جامعه پزشکی سپاه نینوا گلستان با مشارکت دانشگاه علوم پزشکی این استان و آستان قدس رضوی روز سه شنبه در دهستان مرزی کرند از توابع بخش داشلی برون گنبدکاووس آغاز به کار کرد. به گزارش ایرنا، در مراسم آغاز به کار این بیمارستان تخصصی فرمانده سپاه نینوا، فرمانده مرزبانی، رئیس دانشگاه علوم پزشکی گلستان و فرماندار ویژه گنبدکاووس به همراه برخی مسئولین این شهرستان حضور داشتند. سرپرست بسیج جامعه پزشکی سپاه نینوا گلستان دراین مراسم گفت: این بیمارستان با حضور ۱۲۰ نفر کادر پزشکی، پیراپزشکی و پرستار از روز سه شنبه تا هشتم آذر به مدت سه روز به مردم دهستان کرند خدمات پزشکی و درمانی رایگان ارائه می کند.دکتر اسماعیل مقصودلو افزود: در این بیمارستان پزشکان عمومی، متخصص و فوق تخصص در ۱۴ رشته داخلی، عفونی، قلب، اطفال، زنان، جراحی، چشم پزشکی، ارتوپدی، پوست، نورولوژی، رادیولوژی، دندانپزشکی، جراحی مغز و اعصاب، طب سنتی، سونوگرافی و بینایی سنجی خدمات ارائه می کنند.وی افزود: تمام خدمات درمانی و دارویی در مدت برپایی این بیمارستان به صورت رایگان به مردم ارائه می شود و در صورت نیاز به جراحی های تخصصی، بیمار بـه مراکز درمانی شهرهای همجوار یا مرکز استان اعزام می شود. دکتر مقصودلو تصریح کرد: پنجمین بیمارستان تخصصی صحرایی در گلستان پارسال در شهر گمیشان راه اندازی شد و به حدود ۷۶۰۰ نفر خدمات ارائه کرد و امسال پیش بینی می شود روزانه دو هزار نفر در کرند خدمات درمانی و دارویی دریافت کنند.دهستان کرند از توابع بخش مرزی داشلی برون شهرستان گنبدکاووس در شرق گلستان حدود ۶ هزار نفر جمعیت دارد.

گرگان کتاب خوان حرفه ای ندارد

کوثر قندهاری –۱ در سال ۱۳۷۲ خورشیدی،۲۴ آبان ماه به عنوان روز کتاب و کتاب خوانی تعیین شد و البته همین روز نخستین روز از هفته کتاب خوانی نیز هست. نا گفته پیداست که خواندن و مطالعه یکی از شاخص های رشد و ارتقای جامعه بشری دردنیای امروز بوده است و نشانگر آنکه انسانها برای دانستن بیشتر اهمیت قائل شده اند به همین خاطر مردمان هر جامعه ای به مطالعه بیشتر می نازند و مدیران آن جامعه نیز می کوشند تا نشان دهند شهروندانشان بیشتر به مطالعه می پردازند ، اما به شهادت آمار مطالعه در ایران چندان جایگاهی ندارد و شهروندان ایرانی در نمودارها، جایگاه مناسبی را کسب نمی کنند ، جدای از شهروندان بسیاری از نخبگان نیز چندان اهل کتاب و مطالعه نیستند گزارش ما را در این باره بخوانید .
کتاب خوانی موضوعی است که آمار کمّی دقیقی از آن وجود ندارد اگرچه در طی سال های اخیر با برگزاری برنامه های متعدد فرهنگی و تشویق افراد به خواندن کتاب به سمت وضعیت مطلوب حرکت کرده است.مدیر کتابخانه های گلستان با بیان این مطلب می گوید: کتابخوانی کار بسیار پر اهمیتی است وافراد در سطوح و صنوف مختلف نیازمند مطالعه کتاب هستند بنابراین دستگاه های اجرایی به خصوص اجرایی فرهنگی باید دست به دست هم دهند تا فرهنگ کتابخوانی را نهادینه کنند. قوانلو معتقد است :نامطلوب بودن سطح مطالعه مختص به شهر و استان ما نیست بلکه در سراسر کشور اینگونه است و مساله ای فرهنگی به حساب می آید.در حال حاضر کتاب خانه های ما بیشتر به سالن های قرائت تبدیل شده است و افراد در موقعیت های خاص اعم ازامتحانات ،کنکور،آزمون های استخدامی به کتاب خانه ها می روند و کتاب های درسی را مطالعه می کنند.قوانلو مدیر کتابخانه های استان در پاسخ به این سوال که آخرین کتابی که خریده اید کدام کتاب بوده است می گوید:آخرین کتابی که خریده ام در راستای پژوهش در مدیریت و مرتبط با رشته تحصیلی ام بوده است و چون محیط کار بنده در کتابخانه است و کتب مختلف در دسترس بنده است،برای خود خیلی کتاب نمی خرم و از کتاب های کتابخانه استفاده می کنم،اما برای منزل و فرزندم همیشه در حوزه کودک ونوجوان خرید می کنم. وی در پاسخ به سوال آخرین کتابی که خوانده است می گوید:حدود ده روز پیش کتاب مزرعه حیوانات را مطالعه کردم و در حال حاضر کتاب فرنگیس که داستان زندگی زنی شجاع در مناطق مرزی در زمان جنگ است در برنامه ام برای مطالعه قرار داده ام.به سراغ لطیف ایزدی رفتیم ،لطیف ایزدی روزنامه نگار و مدیر سایت الکامیز می گوید:آخرین بار تعداد زیادی کتاب از نمایشگاه کتاب گلستان خریدم که ترجمه شعر از نزار قبانی ،۹۰ سالگی روزنامه اطلاعات،قند پارسی و شعر درمانی و...از جمله آنان هستند،وی در حال حاضر در حال مطالعه هست و مطالعاتش بیشتر در حوزه ادبیات ،فرهنگ و موضوعات سیاسی است.لطیف ایزدی،شعری از مختومقلی فراغی را می خواند که معنایش اینگونه است((کسانی که کتاب می خواند از معنا سیر آب هستند))و گفت با توجه به اینکه فرهنگ ملت ها با کتاب نهادینه شده و معجزه پیامبراکرم (ص) هم کتاب است،بهتر است کتاب بخوانیم تا به سمت تحول و تعادل و آرامش اجتماعی سوق پیدا کنیم،ایزدی ادامه می دهد:در مراوه تپه کتابخانه بسیار فعال و پرباری وجود دارد که پاتوقی برای کتابخوان های مراوه تپه است و لازم می بینم از مسوولش آقای کوسه غراوی تشکر کنم.
عاطفه پهلوان عضو حزب اتحاد ملت و فعال سیاسی مـی گوید:آخرین بار۳ کتاب همزمان خریدم که دو قرن سکوت زرین کوب و جاسوس و خیانت از پائولوکوئیلو من جمله آنان هستند،وی در حال حاضر مشغول مطالعه دو قرن سکوت زرین کوب است و حوزه مطالعات متنوعی دارد ولـی عموما در حوزه اجتماعی،فرهنگی و روانشناسی و سیاسی نیز بسته به ضرورت مطالعه دارد. پهلوان می گوید چه خوب است اگر هریک از ما،کتاب هایی که خوانده ایم و فکر می کنیم جاذبه عمومی دارند در مکان های عمومی مثل نانوایی،آژانس های ماشین و آرایشگاه ها و غیره قرار دهیم تا افرادی که در آن مکان ها توقف دارند،استفاده کنند.
امیر عبدالسلام مهیمنی فعال سیاسی و رئیس حزب اتحاد ملت ایران اسلامی می گوید:آخرین کتابی که خریدم زبان بدن،مهارت های زندگی و فنون مذاکره بود و آخرین کتابی که خواندم تاریخ تشییع بود که حدود یک ماه قبل آن را به پایان رساندم.مهیمنی مطالعاتش را بیشتر در حوزه اجتماعی،فنون مذاکره و مهارت های زندگی می داند و می گوید:معمولا با توجه به کار و نیازی که احساس می کنم به انتخاب کتاب و مطالعه می پردازم.
محمدرضا ایزد استاد دانشگاه و عضو اتحادیه انجمن اسلامی در پاسخ به سوال آخرین کتابی که خریدید چه بود!؟گفت:آخرین بار هفته قبل ۴ کتاب از مرحوم آیت الله صالحی نجف آبادی خریدم که شامل :نقد و نظر،پژوهش های فقهی،پژوهش های قرآنی و پژوهش های تاریخی و حدیثی است.وی در حال حاضر مشغول مطالعه حدیث های خیالی در مجمع البیان آیت الله صالحی نجف آبادی برای بار دوم است و می گوید مطالعاتم در حوزه جامعه شناسی و فلسفه دین می باشد اگرچه کتاب های عرفانی و تاریخی را نیز مطالعه می کنم.محمد رضا ایزد می گوید :در دهه اخیر روحیه مدرک گرایی هم در دانشگاه و هم در حوزه شدت گرفته است که همین روحیه مدرک گرایی باعث شده است کتاب مورد توجه قرار نگیرد و به همین دلیل دیگر شاهد محققانی همچون مطهری،صالحی نجف آبادی ،شریعتی و بازرگان نیستیم.
و در نهایت سری به کتاب فروشی های گرگان زدیم:
صاحب کتاب فروشی دانشوران که معتقد است؛گرگان کتاب خوان حرفه ایی ندارد و کسانی که به اینجا برای خرید کتاب می آیند ،درک و شناخت عمیقی از کتاب ندارند و صرفا برای پر کردن کتاب خانههایشان کتاب می خرند،وی گفت در طول ۱۸ سال کارم هیچ معلم و قشر فرهنگی برای خرید کتاب به کتابفروشی من نیامده است و این معظل فرهنگی است.
آقای وحدانی در پاسخ به اینکه کدام انسان سرشناس یا صاحب نامی از شما خرید می‌کند گفت:آقای طاهری معاون شهرداری زیاد به کتابفروشی من می آید و در حوزه اجتماعی،سیاسی و تاریخی خرید می کند.
پس از آن سراغ خانه کتاب رفتیم :
پوریا میدانی صاحب خانه کتاب بیش‌ترین فروش کتابفروشی اش را از حوزه روانشناسی،کودک و نوجوان و رمان های ترجمه شده و پس از آن حوزه علوم انسانی که شامل علوم اجتماعی،فلسفه و..است،میداند.میدانی می گوید؛از میان سرشناسان استانی و شهری،پزشکانی که در اطراف کتابفروشی ما مطب دارند غالبا به کتابفروشی ما می آیند و حداقل هفته ایی یکی،دوبار از اینجا کتاب می خرند و در مورد مدیران و مسئولان گفت:بنده شناخت زیادی از مدیران و مسئولان دولتی ندارم و اگر به اینجا آمده اند ،آنان را نشناختم و فقط در این میان ،خانوم کشمیری مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی چندین بار به اینجا آمده اند و کتاب گرفته اند و احسان مکتبی مدیر کل سیاسی،انتخابات و تقسیمات کشوری نیز غالبا می آیند و در حوزه خودشان کتاب میگیرند. اینکه مردم ما کتاب نمی خوانند کاملا آشکار است اما ایا مانند دیگر مباحثی که باز مردم بدهکار هستند در اینجا نیز آنها بدهکارند ، آیا نویسندگان ، مترجمان ، و صاحبان قلم و در نهایت ناشران توانمند داریم ، آیا فضای عمومی جامعه برای نوشتن و پژوهش و تحقیق آماده است ، آیا اقتصاد خانوار اجازه میدهد که شهروندان از قید امرار معاش برجهند و اندکی به فکر معیشت خود باشند یا .... براستی اگر اقتصاد به سامانی داشتیم و مردم دل خوشی داشتند و نویسندگان عاشقی داشتیم آیا باز هم باید نام ایران را در پایین جدول کتابخوانها جستجو می کردیم .

اجرای طرح سند حمل بار در گرگان همزمان با سراسر کشور

رئیس سازمان حمل و نقل بار و مسافر شهرداری گرگان گفت: طرح سند حمل بار الکترونیکی (باربرگ) همزمان با سراسر کشور در گرگان اجرا شد. احمدعلی سالاری در گفتگو با مهر اظهار کرد: پس از اجرای طرح ملی ساماندهی فعالان حمل و نقل عمومی نفت گاز سوز درون شهری و تخصیص سهمیه سوخت، زیرساخت‌های سخت افزاری و نرم افزاری لازم برای اجرای طرح یکپارچه دریافت سند حمل بار شهری و حومه ای، آماده بهره برداری شد. وی ادامه داد: در این راستا تمامی رانندگان خودروهای عمومی نفت گاز سوز فعال در شهر گرگان و حومه با ظرفیت بالای ۱۰ تن، موظف هستند از طریق تلفن همراه خود یا درگاه اینترنت و بدون نیاز به مراجعه حضوری، به ازای هر حمل بار در سطح شهر اقدام به دریافت باربرگ کنند. سالاری گفت: باربرگ به عنوان سند حمل بار شهری، برای اولین بار در کشور و همگام با کشورهای تراز اول جهان در حوزه حمل و نقل، به صورت الکترونیکی طراحی شده و به عنوان سندی معتبر امکان مدیریت یکپارچه و برخط جابجایی بار در سطح کشور را فراهم می کند.

واقعه ۵ آذر گرگان از خونین ترین وقایع هنگامه انقلاب است

استاندار گلستان گفت: واقعه پنج آذر گرگان از خونین ترین وقایع هنگامه انقلاب است. به گزارش مهر به نقل از روابط عمومی استانداری گلستان، سیدمناف هاشمی در پیامی به مناسبت پنجم آذر و روز ملی گرگان اظهار کرد: تاریخ گرگان نشانگر هویت تاریخی و کهن این شهر است که برخی مورخان آن را تا دوره اساطیری هم می‌دانند. وی افزود: گرگان همواره از دیرباز تا به امروز در معادلات و تصمیم‌سازی‌های سیاسی، فرهنگی، علمی، اقتصادی و مذهبی تاثیرگذار بوده و بی‌اغراق یکی از شهرهای تاریخ‌ساز در عرصه ملی به شمار می‌رود.هاشمی تأکید کرد: واقعه پنج آذر گرگان پس از واقعه ۱۷ شهریور میدان ژاله تهران شاید یکی از خونین‌ترین وقایع هنگامه انقلاب اسلامی بود که در آن ۱۴ شهید و شهیده تقدیم راه استقلال و آزادی ایران سرفراز شد. وی تصریح کرد: نامگذاری پنجم آذر به نام روز قیام مردم گرگان از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۹۵ و تصویب این روز به نام «روز ملی گرگان» در صحن علنی شورای اسلامی این شهر نشان از اهمیت این واقعه تاریخی دارد.

مانور استانی بهداشت و درمان اضطراری در گمیشان برگزار شد

معاون بهداشت، درمان و توانبخشی جمعیت هلال احمر گلستان گفت: عملیات تمرینی تیم های بهداشت و درمان اضطراری هلال احمر گلستان در روستای آلتین توماجلر از توابع شهرستان گمیشان برگزار شد. به گزارش مهر، عملیات تمرینی تیم های بهداشت و درمان اضطراری (BHCU) جمعیت هلال احمر گلستان، در روستای آلتین توماجلر برگزار شد.معاون بهداشت، درمان وتوانبخشی جمعیت هلال احمر گلستان در این مانور استانی، اظهار کرد: این عملیات تمرینی به مدت یک روز و با هدف سنجش آمادگی تیم ها در سطح منطقه و زمان های بحرانی و با هدف ارتقاء سطح سلامت جامعه و ارائه خدمات بهداشتی و درمانی اجرا شد.حمید استری افزود: این عملیات در دو بخش درمانی و آموزشی اجرا شد که در بخش درمانی ویزیت، خدمات دارویی و پرستاری رایگان و در بخش آموزشی، آموزش های لازم در زمینه بهداشت تغذیه، بهداشت محیط و بهداشت روان ارائه شد.وی با ذکر این مطلب که ۵۰ تن شامل پزشک، پرستار، کارشناس بهداشت محیط، کارشناس بهداشت تغذیه، روان شناس، ماما، تکنیسین دارویی و دیگر عوامل اجرایی دراین مانور مشارکت کردند؛ خاطرنشان کرد: برگزاری عملیات های تمرینی بهداشت و درمان اضطراری به دلیل این که در مناطق دورافتاده اجرا می شود گامی مثبت در راستای محرومیت زدایی و ایجاد امکان درمان برای ساکنان مناطق محروم و روستایی است.استیری در این مانور با بیان این که این مانور تمرین عملی تیم های درمان اضطراری با هدف کارآمدی و انجام بهینه مأموریت های محوله در زمان وقوع سوانح اجرا می شود، گفت: اجرای این مانور در روستای آلتین توماجلر که در زمره روستاهای منطقه محروم به شمار می رود با همکاری فرمانداری گمیشان، بخشداری بخش گلدشت، شبکه بهداشت و درمان شهرستان های بندرترکمن و گمیشان و با مشارکت جمعیت هلال احمر شهرستان های بندرترکمن و آق قلا انجام شد.وی اشاره کرد: با توجه به این که ما در منطقه ای زلزله خیز قرار داریم، مانور زلزله فرضی با هدف ایجاد آمادگی و خودارزیابی از این نظر که به لحاظ درمانی تا چه حد می توانیم بیماران و مصدومان را در بیمارستان صحرایی پذیرش و درمان کنیم توسط جمعیت هلال احمر شهرستان ترکمن در حاشیه تمرین عملی تیم های بهداشت و درمان اضطراری به اجرا درآمد.

آگهی مناقصه عمومی

شهرداری گرگان در نظر دارد اجرای عملیات تهیه و اجرای روکش آسفالت در سطح شهر را با مبلغ برآورد اولیه ۵۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال بر مبنای فهرست بها پایه رشته راه، راه آهن و باند فرودگاه سال ۱۳۹۷، برآورد، نقشه و مشخصات فنی پیوست آگهی مناقصه و بدون تعدیل به شرکت های پیمانکاری واجد شرایط واگذار نماید. لذا شرکتهای پیمانکاری دارای گواهینامه صلاحیت پیمانکاری پایه رشته راه، راه آهن و باند فرودگاه می توانند از تاریخ ۹۷/۹/۷ لغایت آخر وقت اداری مورخ ۹۷/۹/۱۷ به واحد امور قراردادهای شهرداری به آدرس گرگان –میدان شهرداری –شهرداری گرگان –طبقه سوم و یا به سایت شهرداری گرگان به آدرس اینترنتی WWW.GORGAN.IR مراجعه و ضمن دریافت اسناد مناقصه نسبت به تکمیل و ارائه اسناد در پاکت الف(تضمین شرکت در مناقصه) پاکت ب(اساسنامه، آگهی تاسیس و آخرین تغییرات شرکت، رزومه، گواهی صلاحیت پیمانکاری، گواهی صلاحیت ایمنی و بهداشت(HSE)، اسناد و مدارک شرکت در مناقصه) و پاکت ج (پیشنهاد قیمت) به شرح ذیل در مدت زمان تعیین شده در متن آگهی در پاکت لاک و مهر شده به واحد دبیرخانه شهرداری به آدرس: گرگان –میدان شهرداری –شهرداری گرگان اقدام نمایند.

عبدالرضا دادبود –شهردار گرگان تلفن تماس: ۰۱۷۳۲۲۴۰۷۵۲

آگهی‌های ثبتی

تاسیس شرکت سهامی خاص پالار ساخت دشت گرگان

درتاریخ ۱۱/۰۴/۱۳۹۷ به شماره ثبت ۱۲۵۹۹ به شناسه ملی ۱۴۰۰۷۶۸۹۹۷۱ ثبت و امضا ذیل دفاترتکمیل گردیده که خلاصه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی میگردد. موضوع فعالیت :طراحی، نظارت، محاسبه، مشاوره و اجرای کلیه امور عمرانی و پیمانکاری شامل الف– رشته ابنیه: انجام کلیه پروژه های عمرانی شامل طراحی، محاسبه، اجرا و مشاوره کلیه پروژه های ساختمانی اعم از تجاری، اداری و مسکونی و سوله با هر نوع سازه و پروژه های راهسازی اعم از پل سازی، تونل سازی و ساخت انواع مخازن و پروژه های تاسیسات مکانیکی و برقی و آبی انجام دکوراسیون های داخلی و خارجی کلیه ساختمان های مذکور، زهکشی، احداث ابنیه، روسازی و احداث کانال و تونل انتقال آب فاضلاب، نوسازی، باند فرودگاه، تاسیسات شهری، ساختمان سازی، محوطه سازی، شهرک سازی، تامین مصالح ساختمانی و فولادی، انعقاد قرارداد با اشخاص حقیقی و حقوقی در داخل و خارج کشور، اخذ و اداء نمایندگی در داخل و خارج، شرکت در کلیه مناقصات و مزایدات کلیه ادارات، سازمان ها و شرکت های دولتی و خصوصی، تحصیل سهام در سرمایه هر شرکت ثالث، شرکت بمنظور تامین مصالح و مواد اولیه مربوط به فعالیت خود و نیز ماشین آلات میتواند اقدام به تولید یا خرید از داخل یا خارج کشور بنماید. ورشته آب: دربر گیرنده امور پیمانکاری مربوط به بندها،سدها و ساختمان نیروگاه آبی، سازه های هیدرولیکی وتونل های آب، مخازن آب و شبکه های توزیع آب، شبکه های جمع آوری و انتقال فاضلاب، کانالهای انتقال آب و شبکه های آبیاری و زهکشی، سازه های دریایی و ساحلی،احداث حوضچه ها و استخرهای پرورش و تکثیر آبزیان وعملیات ساختمانی(سیویل) تصفیه خانه های آب و فاضلاب، و نظایر آن درصورت لزوم پس از اخذ مجوزهای لازم از مراجع ذیربط مدت فعالیت : از تاریخ ثبت به مدت نامحدود مرکز اصلی : استان گلستان – شهرستان گرگان – بخش مرکزی – شهر گرگان–محله گلشهر–خیابان گلشهر ۴۱[دانش ۲]–کوچه گلشهرشمالی۴[دوم]–پلاک ۱۸–طبقه همکف– کدپستی ۴۹۱۶۸۴۵۹۳۴ سرمایه شخصیت حقوقی عبارت است از مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰ ریال نقدی منقسم به ۱۰۰۰ سهم ۱۰۰۰ ریالی تعداد ۱۰۰۰ سهم آن با نام عادی مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰ ریال توسط موسسین طی گواهی بانکی شماره ۱۲۲/۵۵۶۰۸ مورخ ۲۶/۰۲/۱۳۹۷ نزد بانک ملت شعبه شهید رجایی با کد ۵۵۶۰۸ پرداخت گردیده است اعضا هیئت مدیره خانم شهربانو نقوی به شماره ملی ۲۱۱۱۱۱۶۳۶۱و به سمت عضو هیئت مدیره به مدت ۲ سال خانم فاطمه ملک به شماره ملی ۲۱۲۱۷۸۵۵۷۴و به سمت رئیس هیئت مدیره به مدت ۲ سال آقای صاحب نقوی به شماره ملی ۲۱۲۲۲۱۵۸۶۰و به سمت مدیرعامل به مدت ۲ سال و به سمت نایب رئیس هیئت مدیره به مدت ۲ سال دارندگان حق امضا : کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهد آور شرکت از قبیل چک ، سفته ، بروات ، قراردادها عقود اسلامی و همچنین کلیه نامه های عادی و اداری باامضاء مدیر عامل همراه با مهر شرکت معتبر می باشد اختیارات مدیر عامل : طبق اساسنامه بازرسان خانم مریم اسرافیلیان به شماره ملی ۰۰۶۹۸۰۷۰۴۳ به سمت بازرس اصلی به مدت یک سال مالی آقای سعید نقوی به شماره ملی ۲۱۲۲۲۶۸۱۴۱ به سمت بازرس علی البدل به مدت یک سال مالی روزنامه کثیر الانتشار گلشن مهر جهت درج آگهی های شرکت تعیین گردید. ثبت موضوع فعالیت مذکور به منزله اخذ و صدور پروانه فعالیت نمی باشد.
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان گلستان– اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری گرگان– شناسه آگهی ۲۹۹۷۱۷

مفقودی

پروانه وکالت پایه یک (کانون وکلای استان گلستان) به شماره ۴۰۳ متعلق به محمد جاهدی جوزچال فرزند یحیی به کدملی ۴۵۷۹۸۷۴۳۶۶ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

خبر

مولوی اهل سنت رضاآباد رامیان به ضرب گلوله به قتل رسید

صبح سه شنبه امام جمعه اهل سنت رضاآباد رامیان به ضرب گلوله به قتل رسید. به گزارش مهر، صبح سه شنبه مولوی اهل سنت رضاآباد رامیان معروف به مولوی برفی به ضرب گلوله به قتل رسید.بررسی ها برای علت این ماجرا در دست بررسی است.برخی منابع محلی اعلام کردند فردی ناشناس با سلاح شکاری و در هنگام بازگشت از مسجد به سمت منزل، وی را به قتل رسانده است.

بودجه لازم برای ایمن سازی راه های گلستان اختصاص یابد

نماینده شوراهای گلستان در شورای عالی استان ها با تصریح بر اینکه راه های این استان ناامن است، گفت: از وزیر راه و شهرسازی می‌خواهیم که بودجه لازم برای ایمن سازی راه های گلستان اختصاص یابد. به گزارش ایرنا به نقل از دفتر حمیدرضا آقا ملایی عضو شورای عالی استانها در سخنرانی پیش از دستور یازدهمین اجلاس عمومی شورای عالی استان ها که در محل مجلس قدیم شورای اسلامی برگزار شد، افزود: چند روز پیش شاهد اتفاق دردناکی در محور کردکوی – گرگان بودیم که منجر به از دست دادن آقای نوربخش و تاج الدین رییس و معاون فقید سازمان تامین اجتماعی شد و همه را متأثر و متأسف کرد.وی خطاب به وزیر راه و شهرسازی ادامه داد: استان گلستان در مسیر استان هایی چون مازندران، سمنان و خراسان شمالی شاهراه ارتباطی موثر در شمال و شمال شرقی کشور است و نقش تاثیر گذاری در حوزه حمل و نقل جاده ای ایفا می کند.نماینده استان گلستان در شورای عالی استان ها اضافه کرد: بارها متذکر شده ایم که جاده‌های استان گلستان وضعیت مناسبی ندارد و بریدگی های آن مشکل آفرین هستند و موجبات مرگ تعداد زیادی از هموطنان را فراهم می کنند اما کسی توجه نکرد و شاهد بودیم که رویدادهای دلخراشی در این مناطق اتفاق افتاد.ملایی یادآور شد: همه ساله شاهد از بین رفتن جمعیت زیادی از هموطنان غرب و شرق گرگان برای دسترسی به شهر گرگان هستیم به دلیل اینکه بریدگی ها و تقاطع های این مسیر مناسب و ایمن نیست. وی با بیان اینکه چنین جاده‌ها و راههای ارتباطی بین استانی برازنده مردم نیست، گفت: اگر جاده های ما از امنیت بیشتری برخوردار بود شاید این اتفاق برای مرحوم نوربخش و معاون وی نمی افتاد و ما فرد با لیاقت و دلسوزی را از دست نمی دادیم.نماینده گلستان در شورای عالی استان ها تاکید کرد: خواسته مسئولان استان و همچنین مردم این است که تغییری در وضعیت راه های منطقه ایجاد شود و به خصوص بحث ایمنی تقاطع ها و دوربرگردان ها جدی گرفته شود.

انحراف مسیر پراید در آزادشهر یک کشته و یک مصدوم بر جای گذاشت

رئیس جمعیت هلال احمر آزادشهر گفت: انحراف مسیر خودروی پراید در آزادشهر یک کشته و یک مصدوم برجای گذاشت.داوود خاتمی در گفتگو با مهر اظهار کرد: صبح یکشنبه انحراف مسیر یک دستگاه خودروی پراید در محور آزادشهر به گرگان (پل هوایی کمربندی آزادشهر) به هلال احمر گزارش شد.وی با بیان این که نیروهای هلال احمر مرکزی آزادشهر به محل اعزام شدند، افزود: این حادثه یک مصدوم و یکی فوتی داشت.خاتمی ادامه داد: هر دو سرنشین رهاسازی و فرد مصدوم تحویل اورژانس و مورد فوتی هم تحویل عوامل انتظامی شد.

یادداشت

سرمشق انگلیسی مونتسکیو

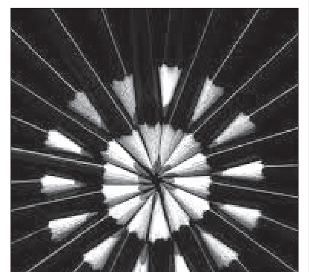

محمد ایمانی ـ سرمشق انگلیسی مونتسکیو بین لیبرال‌های بعد از انقلاب فرانسه هنوز طرفدار داشت و یکی از پرسش‌های اصلی لیبرال‌های پس از انقلاب این بود که انگلستان چطور در اواخر قرن هفدهم هم به حکومت انتخابی دست یافت و هم دارای خودگردانی محلی بود اما فرانسه اسیر حکومت استبدادی و مرکزگرا شده بود!
توکویل «تفکیک قوا»ی منتسکیو را برای تحقق آزادی کافی نمی‌دانست و با تلقی قُدمایی که از آزادی داشت مرکزگرایی را همچون مانعی بر سر مشارکت فعالانه شهروندان در امور مدنی و سیاسی می‌دید. او در متن مباحثات لیبرال‌های فرانسه به مطالعه تاریخ فرانسه و انگلستان از قرون وسطی به این سو پرداخت. در قرن سیزدهم اشراف انگلستان برای مهار قدرت رو به رشد و بی‌رویه پادشاه متحد شدند و پای طبقات عوام را به پارلمان کشاندند و با بوجود آمدن پارلمان اشراف همواره پشتیبان عوام ماندند. این اتحاد بین این دو نیروی آشتی‌ناپذیر در اروپای قاره شکل نگرفت. در فرانسه از قرون میانی به این سو پادشاه کمابیش قدرتی نمادین بود و قدرت اصلی در دست اشراف فئودال بود. وضع به گونه ای بود که مردم از ظلم اشراف فئودال به پادشاه پناه می‌بردند و این مرجعیت پادشاه که دربار را تبدیل به عدالت‌خانه کرده بود –برعکس بریتانیا که پارلمان خانه عدالت‌جویی طبقات بود– با پیشرفت‌های اقتصادی بعدی و سربرآوردن طبقه جدید بورژوا منجر به اتحاد بین بورژوازی و پادشاه شد که هدف و نتیجه آن از بین رفتن قدرت محلی اشراف بود. این دو سرنوشت تاریخی متفاوت پیامدهای عظیمی برای هر دو کشور داشت. توکویل که گذار از جامعه آریستوکراتیک به جامعه دموکراتیک را گریزناپذیر می‌دانست به دنبال راه‌حلی واقع‌بینانه برای جلوگیری از تمرکز قدرت می‌گشت. اگر مسئله اصلی منتسکیو استبداد بود مسئله اصلی توکویل تمرکز قدرت بود چرا که دولت متمرکز بوروکراتیک، آزادی قُدمایی در ساختن زندگی سیاسی را کمابیش از بین می‌برد. نه لیبرال‌های بزرگ همعصر او که شهرتی صدچندان داشتند و نه طرفداران نظم قدیم که در خیال خام بازگشت امتیازات اشرافی رژیم قدیم بودند هیچ راه‌حلی برای این مشکل نداشتند و گروه دوم که می‌توان گفت اصولا به دنبال راه‌حلی برای خودگردانی محلی نبودند بلکه بیشتر نگران امتیازات از دست رفته فئودالی خود بودند. این ایده بکر توکویل بود که نگاهش را از انگلستان به ایالات متحده آمریکا برگرداند و به همین منظور کمک هزینه ای دولتی به بهانه مقایسه زندان‌های آمریکا و فرانسه دست و پا کرد و به همراه دوستش راهی سرزمین آینده شد تا از نزدیک به مطالعه «دموکراسی در آمریکا» بپردازد، مطالعه‌ای که حتی خوانندگان آمریکایی را به حیرت انداخت و تبدیل به مهم‌ترین اثر کلاسیک برای مطالعه دموکراسی و برای مطالعه ساختار سیاسی و اجتماعی ایالات متحده آمریکا شد.

فلسفه چیست؟

ایمان مطلق ارانی

پرسش از چیستی فلسفه شاید یکی از سختترین و چه بسا سخت ترین سوالی باشد که هر اهل فلسفه ای در همان سرآغاز کار و تا زمانی که به فعالیت فکری خود ادامه میدهد خود را با آن مواجه میبیند. البته پاسخ به این پرسش جواب یگانه ای مانند بسیاری از پرسش های بنیادین دیگر فلسفی ندارد که بتوان با ارائه ی پاسخی به این قائله پایان داد. در اینجا نیز من قصد ارائه ی پاسخ نهایی به این پرسش را ندارم و البته که از دادن چنین جوابی عاجز و ناتوانم و حتی به معنایی بدین باورم که فرض بر ارائه ی پاسخ نهایی تنها کار کسانی است که با این دانش کمتر نسبتی دارند. یکی از رنج آورترین مسائل برای یک اهل فلسفه این است که از حقانیت خودش دفاع کند این دفاع از خود را میتوان به دو شکل فهمید؛ شکل ساده ی آن این است که یک اهل فلسفه همیشه با سوالاتی از همان ابتدای فعالیت خود از سوی دیگرانی مواجه است و از قضا یکی از این سوالات این است که فلسفه چیست و به چه کار می آید؟ از این قبیل پرسش ها از هیچ دانشجو و یا اهل علمی نمیشود و مخاطب به محض آنکه بداند رشته ی تحصیلی آن دانشجو و یا عالم چیست، بلافاصله متوجه میشود که آن علم به چه کار و فعالیتی تعلق دارد و یا احتمالاً میتواند متوجه شود که موضوع آن علم چیست. جالب آنکه عالِم به هیچ یکی از علوم حتی خود را در مواجهه با پرسش از چیستی علمی که در آن عالم است نمیداند. هیچ ریاضی دانی در پی پاسخ به پرسش ریاضی چیست نیست و یا هیچ جامعه شناسی خود را مسئول به دادن جوابی به سوال جامعه شناسی چیست نمیداند و حتی اگر عالِم هر علم در تلاش بر پاسخ به این پرسش برآید، در همان دم از حیطه و حدود علم خود خارج شده و وارد عرصه ی فلسفه شده است! پس در اینجا میتوانیم تعریفی از فلسفه را چنین ارائه دهیم که « فلسفه آن دانشی است که در پی تعریف هر علم و به نسبت آن تعریف، حدود و ثغور آن علم را مشخص میکند.» اما این تعریف نمیتواند تمامیت مفهوم فلسفه را در خود داشته باشد و شاید بتوان گفت آنچه که ارائه شد صرفاً رابطه ی بین فلسفه و علم را نشان میداد و نمیتوان به عنوان تعریفی از برای فلسفه آنرا پذیرفت. پرسش این است که چرا به چنین وضعیتی دچار شدیم، چرا از عصر طلایی یونان باستان چنین تنزل کردیم، چرا وقتی در آن زمان فلسفه نقل مجالس آنان بود، چنین در عصر ما و بدین وجه مهجور شده است. چرا چنین شد؟ چگونه از اینجا سر درآوردیم، قطعاً شرح آن نیاز به بیان سیر تاریخی آن دارد که قصد من بیان آن در اینجا نیست چرا که بیان آن آزمند زمان و مکان مناسبی برای بازخوانی آن دارد. به هر حال امروز ما در زمانه ای هستیم که فلسفه چنین مهجور شده است. و اهل فلسفه در هر مقامی باید از حقانیت خودشان دفاع کنند. دفاع تلخی است مثل این میماند که بخواهیم اثبات کنیم چرا هستم و چرا اینگونه هستم. همانطور که پیشتر آمد یک فیلسوف با یک ساینتیست فرقشان در این است که ساینتیست هرگز نمیپرسد که این علمی که من عالم آن هستم چیست؟ فیزیک چیست؟ زیست شناسی چیست؟ گویی برایشان واضح است که درباره ی چه چیزی دارند سخن میگویند. گویی از بدیهیات و مسلمات است. گویی در عصر ما هنوز زنونی نیامده است که یکسره زیرآب همه ی علوم را بزند و همه ی ساینتیست ها را برای اثبات حقانیت و اعاده ی حیثیت از علم خودشان به چالش بکشد. ولی چنین فیلسوفی در عصر طلایی آن آتن حاضر شد و شُبهاتش چنان مستحکم و قوی بود که فیلسوفان معاصر ما به دنبال پاسخ به شبهات زنون الثانی هستند.اگر بخواهم تعریفی از فلسفه ارائه بدهم باید تعریفی از خودم ارائه بدهم. خودم نه به مثابه موجود فردی و شخصی بلکه به مثابه انسان. سخن از فلسفه، سخن از انسان است، حدود انسان، حدود معرفت انسان. اگرچه فلسفه از ریشه ی فیلو سوفیا به معنای دوستار دانش است، که البته خود این کلمه هم تامل برانگیز است، که در مقابل کلمه ی سوفیست است. دانشمندان معاصر ما و همچنین فلاسفه ی تحلیلی نظیر کواین سوفیست هستند، البته نه به معنای بد کلمه که سقراط و افلاطون بیان می کنند بلکه بدین معنا که می دانند و به حدود علم خود واقفند. ولی فلسفه چنین وضعی ندارد، نه تنها در تعریف آن در میمانیم بلکه حتی هیچگاه نمی توانیم بگوئیم در چه مقطعی از تفکر فلسفی هستید. هر چقدر بیشتر بخوانید بیشتر میفهمید که نمیدانید پس بهتر آن است که راه خود را برای پیدا کردن تعریفی برای فلسفه از این طریق پی بگیریم که درصدد تحقیق در باب پرسنده ی این سوال کنیم! در واقع میپرسیم که پرسنده ی این سوال، از طرح این سوال چه منظوری داشته و یا آنکه به دنبال چه پاسخی است؟ میشود که پرسنده ی این پرسش مرادش این باشد که معنای لفظ فلسفه را بداند، و به همین جهت میپرسد که فلسفه چیست؟ در مقام پاسخ باید گفت فلسفه که از مشتقات کلمه ی مرکب «فیلو–سوفیا» به معنای «دوستدار–دانش» میباشد، اولین بار بنا به گواه مورخین تاریخ فلسفه، این کلمه را سقراط به عنوان صفتی برای خود، در مقابل علمای وقت که خود را سوفیست به معنای دانشمند میدانستند به کار برد. سوفسطائیان علمای فن خطابت و سخنوری و جدل بودند که میتوان دو خصوصیت عمده را برای ایشان قائل بود: اول آنکه در مباحث و مناظرات خود قابل به حقیقتی نبوده و صرفاً ناظر به پیروزی و موفقیت خود بودند و دوم آنکه برای آموزش فن خود حق الزحمه دریافت می کردند. از سوفسطائیان معروف یونان باستان میتوان به پروتاگوراس، گرگیاس و پیرهون اشاره کرد. به هر طریق سقراط که با ایشان مخالف بود و بر این باور بود که ایشان برای مقاصد مادی و سیاسی به بحث و مناظره و تعلیم و تعلم میپردازند سزاوار نام سوفیست یا دانشمند نیستند و حتی خودوی که با دلایل محکم، پندار های سوفسطائیان را رد میکرد خود را سزاوار این لقب نمی دانست و خود را فقط دوست دار دانایی می خواند.به همین جهت لفظ فلسفه نیز از دیرباز در برابر لفظ سوفسطی که به عربی به لفظ سفسطه که به معنای شیوه ی تفکر و استدلال مغالطه آمیز است قرار گرفت. اما گاهی پرسنده ی این سوال میتواند کسی باشد که از معنای لغوی آن آگاه است اما همچنان پرسش از چیستی فلسفه میکند! با دقتی بیشتر از قبل میتوان حکایتی از سقراط را بیان داشت که تعریفی بیشتر از پاسخ قبلی را در پی داشته باشد. سقراط میگفت که علت آنکه صدایی که از معبد دلفی میاید و من را داناترین مرد آتن میداند تنها به این دلیل است که من «میدانم که نمیدانم» و آگاهی از جهل و ندانستنم است که من را داناترین مرد آتن کرده است. همچنین گفتنی است که سقراط کسی بود که در میدن شهر و یا در مجالس مختلف با طرح پرسش صحیح و دقیق از حاضرین و حتی با قسم دادن ایشان مبنی بر اینکه اگر حقیقتی را میدانند بر او نیز مکشوف کنند به بحث مینشست و از پس برقرار دیالوگ سعی بر انکشاف حقایقی در باب مباحث متنوعه داشت. بنابراین میتوان در این مقام فلسفه را «حرکت از جهل مرکب به جهل بسیط» دانست.
اما میشود که با علم بر هر دو، پژوهشگر فلسفه پرسش از چیستی فلسفه کند و درصدد آن باشد که با طرح این پرسش تحقیقی در باب تاریخ این پرسش و پاسخ هایی که فلاسفه به آن داده اند بکند. همانطور که میتوان حدس زد در تعریف فلسفه اختلاف نظر فراوانی وجود دارد. یک علت این اختلاف تعاریف، آن است که موضوع فلسفه که زمانی علم علوم و جامع کلیه معارف انسانی بود تغییر کرده و به تدریج علوم طبیعی و انسانی از آن جدا شد و کار بدان جا رسید که پوزیتویست‌ها و نئوپوزیتویست‌ها اصلا وجود فلسفه را به عنوان رشته مستقل معرفت انسانی منکر شدند. که البته این سخن به هیچ وجه نمی تواند صحیح باشد و توضیح آن پیشتر در تفاوت علم و فلسفه ایجازاً بیان شد. فلسفه می کوشد عام‌ترین مفاهیم و مقولات را بررسی نماید و کلی ترین قوانین جهان را مطالعه کنند ولی می توان پرسید: آیا تمام دانش‌ها بر روی هم نمی توانند اندیشه عمومی درباره جهان را در اختیار ما بگذارند تا دیگر نیازی به فلسفه نباشد؟ مسئله درست در همین جاست که داشتن دید کلی از جهان و بررسی عام‌ترین قوانین آن به هیچ وجه به معنای حاصل جمع ساده نظر گاه‌های جزئی و گردآوری قوانین در زمینه‌های مشخص جداگانه نیست. فلسفه البته به داده‌ها و معلومات حاصل از علوم تکیه می‌کند، از نتیجه گیری‌های جزئی و گردآوری قوانین در زمینه‌های مشخص جداگانه نیست. از نتیجه گیری‌های سایر علوم بهره برمی دارد ولی خود عام‌ترین مسائل را مطرح می‌کند، به عام‌ترین قانون مندی‌ها نظر دارد. کلی‌ترین روابط و مناسبات را بررسی می‌کند. در جستجوی پاسخ به این مسائل و کشف این روابط هر قدر فلسفه به علوم مختلف و به تجربه بشری و به واقعیت بیشتر متکی باشد به همان اندازه علمی تر است. پاسخش درست تر و به حقیقت نزدیک تر است و خود بیشتر به یک علم بدل می‌شود.پس فلسفه یک بحث و جدل بیهوده یا یک سرگرمی اضافی و از سر سیری نیست. بر عکس وظیفه بسیار مهمی به عهده دارد:طرح عام‌ترین مسائل، بررسی کلی‌ترین روابط بین اشیاء و پدیده‌ها و روندها، کشف عام‌ترین قانون‌های جهان هستی،اعم از طبیعت و جامعه و تفکر،این است وظیفه فلسفه از جانب دیگر به همین علت که فلسفه به عام‌ترین قانون مندی‌ها و روابط نظر دارد آن چنان علمی است که نسبت به علوم دیگر در حکم اسلوب عام آنهاست. پس: فلسفه شکل خاصی از شعور اجتماعی است که عام‌ترین قانونمندی‌های جهان واقعی و شناخت انسانی و رابطه بین هستی و تفکر را بیان می کند.
اما شاید دقیق ترین پاسخ را ارسطو در تعریف فلسفه بیان میدارد که میگوید: «فلسفه علم به احوال موجودات است، از آن حیث که وجود دارند». و ابن سینا نیز میگوید: « فلسفه،آگاهی بر حقایق تمام اشیا به قدری که برای انسان ممکن است میباشد» به نظر من میاید که با این دو تعریف میتوان به تعریف دقیقی از برای فلسفه رسید. اما برای آنکه بهتر از معنای این دو تعریف سر دربیاوریم لازم میاید که مفاهیم مندرج در آنرا بشکافیم. این مفاهیم عبارتند از « آگاهی یا شناختی که انسان میتواند بنابر طاقت خود کسب کند،» «احوال موجودات یا حقایق موجودات» و مفهوم «وجود»
شاید اغراق نکرده باشیم اگر بگوئیم این سه مفهوم کلی ترین و بنیادی ترین مفاهیمی است که در طول تاریخ فلسفه از دیرباز تا امروز به آن مواجه بوده ایم. تحقیق در باب آگاهی و شناخت و میزان و حدود و ثغور فهم انسان و روشی که به واسطه ی آن میتوان شناختی بر حقایق اشیا و یا موجودات داشت، تاملی است که ذهن بسیاری از فلاسفه را به خود درگیر کرده و هر یک به طریق خود در پی پاسخی برای این پرسشها بوده اند، افلاطون در دیالوگهای خود به خصوص در پارمنیدس و جمهوری و با طرح و بسط نظریه ی مُثل، ارسطو با بحث در باب ذات و جوهر و عرض و وجود و موجود و ماهیت در متافیزیک، دکارت با طرح کوگیتو و شک معروف خود که در تاملات در فلسفه ی اولی آنرا شرح میدهد، و در میان متاخرین از هگل تا دیلتای و هوسرل با طرح پدیدارشناسی خود در پی کشف حقایق چیزها آنطور که هستند بودند و همچنین فلاسفه ای نظیر لاک در رساله ای در باب فهم بشر و کانت در نقد عقل محض و بسیاری دیگر از فلاسفه در تلاش برای نشان دادن میزان فاهمه و حدود و ثغور آن بودند. همچنین بحث در باب وجود را چنانچه هایدگر به ما آموخت میتوان در آثار تمام فلاسفه یافت اما خود او بود که مفهوم وجود را چنانچه شایسته و بایسته است از دل اشعار پارمنیدس و رساله ی سوفیست افلاطون و متافیزیک ارسطو بیرون کشید و عمر فلسفی خود را که قریب به نیم قرن بود در تلاش برای انکشاف و ظهور این مفهوم صرف کرد.
به نظر من دقیقترین تعریف از فلسفه را هایدگر ارائه میدهد که میگوید:« فلسفه همان متافیزیک است. متافیزیک درباره موجودات به عنوان یک کلّ ـ شامل جهان و انسان و خداوند ـ تفکر می‌کند و اینکه این کلّ چه نسبتی با هستی و چه نسبتی با تعلّق تمامی موجودات به یکدیگر در هستی دارد. متافیزیک درباره موجودات از حیث وجودی که در شیوه «تفکر باز نمایاننده‌ای»که عقل ارایه می‌کند، تفکر می‌کند. بنابراین از ابتدای پیدایش فلسفه و آغاز شکل گیری آن وجود و هستی موجودات خود را به صورت یک «بنیان» [اصل، علت،مبدأ] نشان داده است. این بنیان چیزی است که بواسطه آن موجودات فی نفسه همان هستند که در نحوه صیرورت و زوال و دوام و وجود خویش هستند، همان اموری که به اعتبار آن اشیاء می توانند مورد شناسایی و دسترسی قرار بگیرند و بر روی آنها کار شود. وجود و هستی مطلق به عنوانآن بنیان (ظهور) موجودات را به منصّه ظهور و حضور واقعی

می‌رساند. این بنیان خودش را به عنوان «امر حاضر» نشان می‌دهد. حضور امر حاضر در این واقعیت مندرج است که او هر موجود حاضر را متناسب با خودش به حضور و ظهور می‌رساند. آن بنیان بر طبق صورت بالفعل حضور، ویژگی بنیان بودن را به عنوان علّیت وجودی واقعیت و به عنوان ممکن ساختن استعلایی عینیت اشیاء و به عنوان واسطه دیالکتیکی حرکت آن روح مطلق و جریان تاریخی آفرینش و به عنوان نیرو و قدرتی که ارزشها را وضع می کند، تحقق دارد.»۱ اما میتوان پرسید چرا هایدگر متافیزیک را با فلسفه یکی میگیرد و اساساً متافیزیک چیست و به چه معنا با فلسفه اینهمانی دارد؟ گاهی در میان نوشته های متاخر اهل فلسفه همچنان دیده میشود که گویی مفهوم متافیزیک از زمان ارسطو تا به امروز یک معنا را دارد! در رد این فهم از متافیزیک چند نکته را مختصرا عرض میکنم. اول آنکه افلاطون و ارسطو هیچگاه از واژهی متافیزیک استفاده نکرده‌اند، بلکه حتی نام کتاب متافیزیک ارسطو را شاگرد وبیعنیآندرانیکوس بر طبق آثار استاد خود طبقه بندی کرد که در اینجا متافیزیک به معنای اثر (پس از فیزیک) –که کتاب پیشینی ارسطو است – و هم به معنای اینکه موضوعات مندرجه در آن فراتر از مباحث فیزیک و سایر علوم است می باشد. که در تاریخ فلسفه متافیزیک چنان درک شد که منظور از آن گرایش به ساختن نظام فکری ای مربوط به هستندگان دارد که سعی در چگونگی داوری و فهم از خود چیزها دارد. از همین روی هایدگر به نسبت برداشت تاریخی از متافیزیک، آنرا چنین توضیح میدهد: سخنی که به هستی نپردازد، و تفاوت هستی شناسانه را فراموش کند، و فقط متوجه هستنده و چند و چونی آن باشد، سخنی متافیزیک گفته میشود. اما علاوه بر آنچه رفت دو معنای دیگر نیز از متافیزیک فهم شده است که اولی فهمی است که میتوان را در آرای دکارت، اسپینوزا و لایبنیتس دریافت که از قضا این فهم از متافیزیک نیز به نحوی ارسطویی است که البته ارسطو آن را فلسفه ی نخستینیا فلسفه ی اولی میدانست. به اعتقاد هایدگر، ارسطو که در پی فهم بنیاد نهایی هستندگان –وجه مشترک همه ی هستندگان که هم متحرک نیست و هم لایتغیر است– بود و برای فهم این بنیاد علمی را لازم میدانست که به یزدان شناسی (الهیات) نزدیک بود؛ پس آنچه فلسفه ی نخستین نامید، همین علم است که از دنیای محسوسات فراتر میرود. (تاویل پدیدارشناسانهی نقد عقل محض کانت ۳۳،۳۴) اما هایدگر برای فهم واژه ی متافیزیک راه زبان شناسی را برگزید. بـه نظر وی واژه ی meta نه به معنای (پس از) یا (ما بعد) بلکه باید به معنای (ترانسندنتال یا استعلا یا فراسوی –نه به معنایbeyond–) فهمیده شود و همچنین واژه یphusisیونانی همانی نیست که در فرهنگ رومی و لاتینphysica تبدیل شد چرا که فوزیکا به معنای شناسایی طبیعت است در حالی که واژه یphusisیونانی که از ریشهیphuein به معنای پدید آمدن و رشد یافتن است، دقیقا به معنای هستی است. (هایدگر مقدمه ای به متافیزیک ۱۱) حتی از آنجا که ارسطو نیز فرقی مابینهستی و هستنده قائل نبود، علم بررسی هستی را فیزیک خوانده بود.
واژهیphusis از نظر نخستین فلاسفه یونان در برگیرندهی تمامی هستندگان بود. با دگر گونی معنایی به physics دیگر هیچ مفهومی از تمام هستندگان را در بر نداشت. آن معنای اصیلی که قبل از طبیعت، تاریخ، فرهنگ و حتی امر مقدس مطرح است، از یاد رفت. (هایدگر بنیادهای مفاهیم متافیزیک: جهان، تناهی، تنهایی) و فراموش شد که phusis همان هستی است که بر پایهی خودش ظاهر میشود، خود آشکار و برگشوده است و در نهایت الثیا– به معنای ناپوشیده یا حقیقت به همان لفظ یونانی– است.
باری با توجه به آنچه آورده شد شاید این سخن هگل دقیق باشد که فلسفه یعنی تاریخ فلسفه؛ و کسی که هنوز تاریخ فلسفه را خوب نمی داند و خود را درگیر با این مفاهیم نمی شناسد هنوز اهل فلسفه نیست و از آنجا که پاسخ به این پرسش ها سیر تکاملی را در طول تاریخ خود طی نمی کنند بلکه تنها زوایای بیشتری با تفکر فلاسفه به ظهور میرسد، بنابراین فلاسفه ی متاخر هیچ برتری ای از فلاسفه ی قدیم ندارند و چه خوب است که بگوئیم فهم متاخرین میسر نمیشود تا درک خوبی از متقدمین این راه داشته باشیم. بله فلسفه یعنی راه و فیلسوفانی است که در این راه قدم میزند. چنانچه هایدگر نیز میگوید:« تفکر افلاطون در مقایسه با تفکر پارمنیدس کاملتر نیست و فلسفه هگل از فلسفه کانت نیز کاملتر نیست. هر عصر و دوره‌ای از فلسفه ضرورتهای خاص خود را داراست. ما بایستی واقعا این حقیقت را دریابیم که یک فلسفه صرفا همان روشی است که هست و لذا نمی‌توانیم فلسفه‌ای را بر فلسفه دیگر ترجیح دهیم همچنانکه این امر در مورد اندیشه‌های گوناگون صادق است.»۲
پس از آنکه گفتیم فلسفه چیست، شاید لازم باشد به این پرسش به صورت سلبی نیز بپردازیم و بپرسیم که فلسفه چه نیست؟ علت آنکه لازم میآید که به این پرسش پاسخ دهیم این است که متاسفانه تعاریف و مفروضاتی در مورد چیستی فلسفه وجود دارند که بسیاری از آنها با ذات فلسفه در تضاد و تغایر است. یکی از آن تعاریف این است که عده ای بر این باورند که تفکر همان فلسفه است! بنابراین هر انسان بالغ و عاقلی که قادر به تفکر است و فکر میکند در حال فلسفه ورزی و تفلسف است. البته این نگرش باطلی است، فلسفه قطعاً در ارتباط مستقیم با تفکر است و حتی درست است بگوئیم فلسفه همان تفکر است اما هر تفکری تفلسف نیست و با فلسفه ارتباطی ندارد. تفکری فلسفی است که نظام مند باشد و شکل و ساختار آن از مفروضات، مقدمات، کلیات تا جزئیات و نتایج با هم من حیث منطقی در سازگاری تمام باشد. به همین دلیل هم است که گزاره ی «هر کسی فلسفه ی خودش را دارد بی محتواست.» هایدگر به نقل از هگل در مسائل اساسی پدیدارشناسی میگوید» فلسفه ذاتاً چیزی است نهان روش، بالذت نه برای عامه ساخته شده و نه مهیا شدن برای عامه را میتابد؛ فلسفه برای آن فلسفه است که درست در تضاد است با فاهمه و بیشتر با فاهمه ی سلیم انسان که مراد از آن محدودیت مکانی و زمانی نوع انسان است. نسبت به فاهمه ی سلیم، فلسفه بالذات ها و لذاتها دنیای است وارونه.»
پیشتر گفتیم گزاره ی «هر کسی فلسفه ی خود را دارد» گزاره ی اشتباهی است. اما میدانیم که به هر طریق هر انسانی روش و طریق خاص خود را برای زندگی دارد بی آنکه کمتر آشنایی با فلسفه به مثابه یک دانش قابل یادگیری و آموختن داشته باشد – که در این نیز میتوان شبهه آورد و پرسید آیا فلسفه دانشی تحصلی است؟ چنانچه بعضی از فلاسفه بر این باورند که تفکر قابل یادگیری نیست بنابراین فلسفه هم نیست–باید گفت هر انسانی دارای جهان بینی خاص خود است و حتی میتوان اضافه کرد که آن جهان بینی میتواند مبتنی بر آراء فلسفی هم باشد اما جهان بینی همان فلسفه نیست.جهان بینی در اساس، یک نگرش به زندگی دانسته میشود. نگاهی به موقعیت ما در جهان، و اینکه چگونه میتوانیم عمل کنیم است. در واقع میتوان جهان بینی را یک ایدئولوژی دانست یعنی مجموعه ی باورهای فرد، به مانند دین.
اگر نگاهی زبان شناسانه به جهان بینی داشته باشیم، متوجه میشویم که این لغت مرکب از دو قسمت جهان و بینی است. بینی یا بین اشاره به دیدن دارد و به یک معنا، دیدن چه در زبان فلسفی و چه در زبان عامیانه به دانایی و فهمیدن نیز دلالت دارد. مثلا در زبان عامیانه میگوئیم «دارم میبینم چقدر یاد گرفتی» در اینجا دیدن به معنای فهمیدن و درک کردن است والا چیزی دیده و به جلوی چشم نیامده. ارسطو نیز به حس بینایی اهمیت بیشتری می داد و این حس را افضل از دیگر حواس میدانستو هایدگر سرآغاز دیدن به مثابه فهم را درeidosیا ایده ی افلاطون میدید چرا کهeidosاز واژه یideinبه معنای دیدن مشتق شده است. تاویل هستی با ایده، یعنی ما با دیدن هستندگان راهی به هستی آنها می یابیم. در تمثیل غار هم، انسانهای درون غار سایه ها را میبینند، و سپس به بیرون غار باید بروند تا حقیقت را ببینند.
هایدگر در کتاب معروف خود افاداتی بر فلسفه به خوبی این تفاوت–یعنی تفاوت میان جهان بینی و فلسفه–را توضیح میدهد، او میگوید» فلسفه و جهان بینی با یکدیگر غیر قابل مقایسه هستند و هر کوششی در راه نزدیکی اینها به یکدیگر محکوم به شکست است. جهان بینی زمینه ی تجربه را محدود میکند، در صورتی که فلسفه برای تجربه زمینه های تازه ای را میگشاید.جهان بینی به طور معمول در حکم پایان راه است، اما فلسفه همواره در آغاز راه است» و همچنین باید افزود جهان بینی قابلیت فهم خودش را ندارد چرا که قادر به زیر سوال بردن بنیادهای خود نیست.
در نهایت و به عنوان پایان این مختصر، توضیح دو مطلب مطلب نیز ضروری به نظر میرسد و آن اینکه فلسفه اساساً پاسخ نهایی به هیچ پرسشی نمی دهد بلکه روش طرح پرسش صحیح و تحقیق درباره ی آن را به ما میاموزاند. نکته ی دیگر آنکه تمام آنچه رفت دال بر این نیست که اگر اهلش این طریق را طی کردند تفکر فلسفی میاموزند. چرا که تفکر فلسفی و اساساً طرح پرسش از چیستی تفکر، سوالی است که باید در جای خود اهل نظر به آن بپردازند.

ضرورت داشتن اندیشه سیاسی

سیدمراد باباحیدری ـ اگر بخواهیم با اتخاذ یک رویکرد کرونولوژیکال به چرایی ضرورت داشتن «ضرورت اندیشه سیاسی» بپردازیم، یقینا زمانبر خواهد بود. و اما در اینجا حتی بیان و اشاره به این رویکرد کرونولوژیکال، بطورغیرمستقیم یعنی ضرورت پرداختن به چیستی، چرایی و چگونگی داشتن «ضرورت اندیشه سیاسی»، خود یک ضرورت انکارنشدنی است. چیستی، چرایی و چگونگی پرداختن به این ضرورت، از دیرباز بتوسط فلاسفه و پیروان مکاتب فلسفی تجزیه و تحلیل شده است. شاید بشود گفت یکی از نخستین فیلسوفانی که به ضرورت داشتن اندیشه سیاسی پرداخته است، افلاطون بوده است. سوای یکی از اصلی ترین برداشت های سیاسی و جامعه شناسانه من از حتی تئوری «فرم های کامل» او، طرح و چهارچوب اصلی اندیشه سیاسی او در اثر جمهوری اش آمده است. پیش از آنکه به نکاتی از این کتاب بپردازم، موضوع «فرم های کامل» را ادامه می دهم و می گویم: با این طرح، و از یک دیدگاه فلسفی محض که هم دربرگیرنده متافیزیک است و هم معرفت شناسی، او/افلاطون می خواهد بگوید برای رسیدن به مقام کمال انسانی، نیاز است نخست اندیشه، رویکرد و هدف مان دست یافتن به کاملترین فرم ها باشد. به نظر من منظور از این فرم ها، ایجاد یک جامعه ایده آل است. از مثال دایره ایده آل استفاده می کند تا بگوید ساختن چنین دایره ای کار عوام الناس (بخوانید مردم عوام) نیست. و از این رو بر این باور بود چنین دایره ای در ورای وجود و هستی این هستی سیاهی لشکر(بخوانید همین مردم عوام)، قرار دارد. و این کاملترین فرم دایره(بخوانید جامعه ایده آل)، معیاری می شود برای شناسایی، ایجاد و ارزیابی دیگر دایره ها(بخوانید جوامع). وقتی افلاطون از این جهان سرشار از نارسایی های گوناگون(بخوانید دایره های ناکامل) و کپی شده(آنهم منظورش این است کپی ناشیانه و ناقص که همان اندیشه های سست بنیان و نامناسب باشد) از جهان ایده آل صحبت می کند، توگویی به دنبال تشکیل ابرجامعه ای است که از هر نقطه نظر ایده آل و متعادل است. پس می توانیم نتیجه بگیریم او با این زبان فلسفی دارد وارد ضرورت داشتن اندیشه سیاسی با هدف ایجاد جامعه ای از هر نقطه نظر نظامند، سالم و عالی می شود. شرط اولیه ایجاد چنین جامعه ای را تربیت و حکمرانی فیلسوف–شهریاران می داند. فیلسوف–شهریارانی که دارای فره های بسیاری هستند. یکی از این ویرتوس ها یا همان فره ها داشتن دانش و بینش و همچنین رویکرد فلسفی به جامعه و انسان در آن است. دومین ویرتوس یا همان فره، داشتن اراده و شجاعت شاهانه است. اراده و شجاعتی که هر دو نیاز است تا به موقع تصمیمات لازم، درست و دقیق گرفته بشود. سوای اینکه جمهوری افلاطونی هیچ به مذاق متفکرانی مثل کارل پوپر خوش نیامده است زیرا می گویند آریستوکراسی نوع افلاطونی بـه تمامیت خواهی می انجامد، فلسفه سیاسی افلاطون بویژه این روزها ارزش واقعی خود را نشان داده است. برای نمونه، همین دمکراسی نوع آمریکایی، نهایتا ترامپ را به عنوان نماینده و نگهبان خود برگزیده است. و این همان چیزی است که افلاطون از هزاره ها پیش هشدار داده بود و گفته بود در دمکراسی ها رئیس جمهورهایی به سر کار می آیند که از ویرتوس هایی مثل خرد، دانش مناسب و اخلاق برخوردار نیستند. برعکس، در آریستوکراسی نوع افلاطونی، شاهان خردمندی یا فیلسوف–شاهانی سکان کشتی هدایت جامعه را به دست می گیرند که حداقل ویژگی هایی که دارا هستند، از خودگذشتگی، فداکاری وعدم خودپسندی هستند. حاکمی که به جای توجه به منافع شخصی خود، به منافع

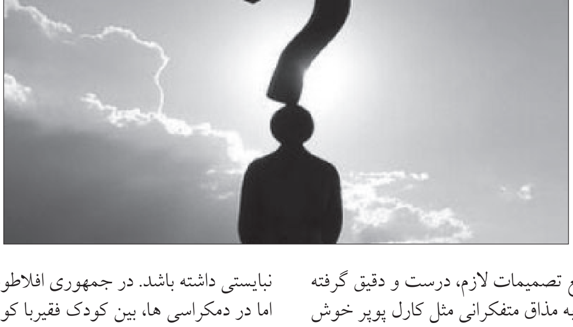

جمع می اندیشند و بویژه برای آبادانی و سعادت جامعه، از هر نوع ویرتوس مورد نیاز برای یک رئیس جمهور ایده آل، برخوردار است. یکی از ویرتوس هایی که ترامپ ها ندارند، اخلاق است. در اندیشه سیاسی افلاطون، جنسیت معنی ندارد. زنان هم بسان مردان می توانند به رئیس جمهور مردم تبدیل بشوند. افلاطون برای ایجاد چنین حاکمینی، یک برنامه کامل تربیتی دارد. برای نمونه می گوید برای مبارزه با فساد باید رئیس جمهور برگزیده ساده زیست باشد. یعنی زندگی لاکچری نبایستی داشته باشد. در جمهوری افلاطونی، یکی برای همه و همه برای یکی است. اما در دمکراسی ها، بین کودک فقیربا کودک ثروتمند، زمین تا آسمان تفاوت وجود دارد. به دیگر سخن، در جمهوری افلاطون، کودکان متعلق به دولت ایده آل و دولت ایده آل متعلق به همه کودکان و بقیه شهروندان است. در این جمهوری، دولت هم پدر و هم مادر کودکان است. این ها همه مکانیسم های پیشنهادی افلاطون برای هم تربیت ایده آل ترین حاکم و رئیس جمهور است و هم نتیجتا مکانیسم های بازدارنده با هدف جلوگیری از فاسد شدن جامعه ایده آل تحت ریاست شایسته ترین حاکمین برگزیده دولت خردمند و مردمی. با این مقدمه، ضرورت داشتن اندیشه سیاسی از مرحله چرایی تاریخی خود اکنون به مرحله چیستی و چگونگی خود گام نهاده است. و بی درنگ هم باید دست بکار شد. بویژه، برای دولت(بخوانید آنچه که تاریخا در پس ذهن خود اندوخته و داریم) و جامعه ما که در این چند دهه اخیر ثابت کرده است تشنه و نیازمند ایجاد نظمی برگرفته از آن(دولت فرهنگی) است که این دو یک و برای همدیگر باشند. به بیان دیگر، اندیشه سیاسی که بتواند یک یگانگی در بین این دو ارگان ایجاد کند، اکنون یک ضرورت انکارنشدنی است. گرواقعا چنین اندیشه افلاطونی عملی بشود، در جامعه ای که ساخته می شود، یکی برای همه است و همه برای یکی. بویژه، داشتن چنین اندیشه ای برای جامعه این روزهای ایران که بی اندازه تشنه یکپارچگی است، یک ضرورت انکارنشدنی است. جامعه کنونی اما، نه دولت را از آن خود می داند و نه برعکس دولت عملا خود را مسئول در برابر این جامعه می داند. این دوگانگی یعنی اثبات خلاف همه ارزشها و ویرتوس های فرموله شده فلاسفه ای چونان افلاطون. حیف است در کشوری مثل ایران با یک سابقه تمدنی چندهزار ساله، آنهم به اعتراف دوست و دشمن با داشتن یک پشتوانه تمدنی والا، نتوان و یا اجازه نداشته باشیم از این همه اندیشمند فعال در حوزه علوم و فلسفه سیاسی، به یک اندیشه سیاسی ایده آل دست پیدا کنیم و جامعه را اینگونه به حال خود رها نکنیم. در این جامعه حال حاضر، و بی شک به علت فقدان یک اندیشه سیاسی ایده آل و مناسب ظرفیت های مادی و معنوی جامعه، پیش از آنکه سقوط ارزش پول ملی علنی بشود، اخلاق سقوط کرده بود. اخلاقی که یکی از ویرتوس های مورد نیاز حاکم ایده آل افلاطون ها است. فقر این ویرتوس، یعنی سقوط جامعه و رها گذاشتن او به حال خود. دقیقا بسان همان مثل کشتی–دولت افلاطون. کشتی که نه ناخدای آن بی عیب است و نه ملوانان آن یادگرفته اند به جای چنین ناخدای کری، سکان کشتی را به دست بگیرند. راه حل افلاطون، دادن این سکان کشتی به دست فیلسوف–شهریاران است. اینان هستند که به تنها چیزی که نمی اندیشند، منافع شخصی خود است. پس می توانیم نتیجه بگیریم داشتن یک اندیشه سیاسی و برای ایجاد یک جامعه ایده آل، یک ضرورت حیاتی برای جامعه ما است.